

## 1- هم اینک مطرح می شود که "عبور از موسوی اجتناب ناپذیر است"، با توجه به رویدادهای اخیر، نظر شما در این مورد چیست؟

در این مورد باید بگویم که در این نکته یک حقیقت وجود دارد که در عین حال، منافی مسئله ای که است که نیروهای دل بسته به موسوی اظهار می کنند. از این لحاظ میگویم اجتناب ناپذیر، زیرا باید این مسئله به گونه ای حل شود. ولی جمهوری اسلامی با یک مشکل جدی روبرو است که در طول حیات سیاسی خود، راه حل های مرسوم جواب گوی این مشکل نیست. برای نشان دادن راه حل مرسوم جمهوری اسلامی بگذارید مثال مشابه ای بزنم.

در طول این سالها، یک بحران جدی دیگر نیز بین دو جناح پیش آمده بود. اگر به خاطر داشته باشید، بحران مشابه در مورد رهبری بین رفسنجانی و خامنه ای پیش آمد. سرانجام به این انجامید که ارگان جدیدی ایجاد شد به اسم شورای مصلحت نظام به سرکردگی رفسنجانی و ولایت برای خامنه ای. شما اگر نگاهی به تاریخچه ایجاد ارگانها و نهادهای دولتی و حکومتی ببینید، می بینید که بسیاری از آنها در جهت حل بحران بین جناحهای حکومتی بوده است. از این طریق ریاست ها پخش می شوند، رضایت ها جلب می شوند و بالانس حکومتی تا دوره دیگری از بحران، ایجاد می شود. در این بحران اخیر، هر دوی طرفین دعا و از روحانیون نیستند. بنابراین، نه میشود ارگانی دیگری گذاشت و نه نهاد جدیدی ایجاد نمود تا موسوی را برای خاموش کردن به ریاست نهادی رساند که فرای چند روحانی دیگر تصمیمی بگیرد. از اینرو راه حلهای مرسوم رژیم، در این مورد کارایی ندارد. بنابراین، بحران جدید مشکلات جدیدی را آفریده و راه حل برای هر کدام از جناحهای درگیر، کشاندن نهادهای حکومتی و دولتی به ریاست روحانیون به طرف یکی از این دو نفر است.

از این منظر است که من فکر میکنم در این مورد، حیات جمهوری اسلامی وابسته به حل مسئله موسوی و آوردن وی به ریاست یک نهاد و ارگان خواهد بود و این، بدون رسمیت از طرف یک ارگان به ریاست مراجع روحانی میسر نخواهد بود. از طرف دیگر حضور گسترده مردم در صحنه و وجود نیروهای رادیکال در این پروسه، کار پیدا کردن یک راه حل "معقول" برای رژیم را با مشکل جدی روبرو می کند.

فقط از این جنبه است که "عبور از موسوی اجتناب ناپذیر است" و نه آنطور که نیروهای اصلاح طلب سعی در چهره سازی برای رهبری خیزش های مردمی دارند.

## 2- با در نظر گرفتن اینکه موسوی همواره تأکید بر حفظ نظام داشته و دارد، آیا ایشان دارای این ظرفیت هست که بتواند با رهبری جنبش سبز، ایران را به آزادی برساند؟

این غیر ممکن است. ببینید در آغاز هر حرکتی و هر جنبشی، در صورتی که این حرکت و یا جنبش دارای رهبری مشخص باشد؛ این رهبری تا زمانی می تواند آن حرکت و یا آن جنبش را تحت کنترل خود قرار دهد، که یا نگذارد که نیروهای غیر جنبشی و یا نیروهایی که با اهداف جنبش یگانگی ندارند به این صفوف اضافه نشوند و یا اینکه نگذارد اهداف اولیه جنبش به اهداف دیگری منتهی شود. در هر دوی این موارد، موسوی مسلط به رهبری جنبش نیست. نیروهای شرکت کننده در این جنبش مشخصاً یک پارچه نیست. در همین روز جمعه، بسیاری از کسانی که می خواستند جلوی رژیم بایستند و در عین حال از جنبش اعتراضی نیز استفاده کنند، اعلام داشتند که در پیاده رویهای دانشگاه قرار خواهند داشت ولی به داخل محوطه نماز جمعه وارد نمی شوند تا حضور آنان دلیلی بر تقویت یک جناح نباشد. خوب همین مسئله، نشان می دهد که نیروهای شرکت کننده دارای یک پارچه گی نیستند. مثال زیاد است، ولی فکر میکنم همین نکته جواب گوی عدم یک پارچه گی باشد. در مورد اهداف اولیه جنبش هم، همان هفته دوم پس از انتخابات نشان داد که پتانسیل گسترش حرکت، به اهدافی فرای مسئله انتخابات چشم دارد.

## 3- چه راهکارهایی را برای تشکیل شورای حمایت از جنبش خونین مردم و یا هر نهاد هدایت گر دیگر پیشنهاد می کنید؟ فکر می کنید در عین حال واکنش نیروهای مختلف شرکت کننده در این خیزش ها، نسبت به این راهکارها چیست؟

به نظر من هیچ شورای حمایتی و یا هر نهاد دیگری از بالا نمی تواند رهبری را به عهده گیرد. این مشخصه این حرکت و یا هر حرکتی در ایران نیست. مشخصه خیزش ها در این است که در خود این حرکتها، رهبری ایجاد میشود، رهبری پذیرفته می شود و در نهایت خود، می تواند به پیروزی و یا شکست بکشد. الان هم، تلاش همه نیروهای

شرکت کننده در حقیقت هم این است. هر نیرویی سعی می کند در وهله اول نیروهای خود را سازماندهی کند و در عین حال رهبری نیروهای دیگر را یا در دست خود گیرد و یا اینکه آنان را طرد کند. بنا بر این خود این تفکر که تلاش میکند از بالا مسائل را حل کند، راه به جایی نخواهد برد.

#### 4- با توجه به سرکوب‌های اخیر و حضور احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، چه راهکارهایی را برای مردم و به ویژه خارج از کشوری ها ارایه می‌دهید که مانع حضور وی بر مسند ریاست جمهوری باشد؟ لطفا این راه کارها در مورد مردم ایران و خیل گسترده تبعیدیان و مهاجران ایرانی بیان کنید.

راه کارها را می باید در خود جنبش و خیزش ها دید. پتانسیل نیروهای شرکت کننده، میزان سرکوب، تشکل یابی نیروهای شرکت کننده، و شکستن ترس، تنها معرفه هایی هستند که می توانند رقم زننده راه کارها در ایران باشند. از همین رو هم هست که در حال حاضر، نیروهای رادیکال شرکت کننده، با تمامی محدودیت های کمی و کیفی خود سعی دارند که وهله اول، جو ترس را بشکنند. این ترس، هم سازمان یابی را سخت تر می کند و هم ایجاد رابطه ارگانیک را. بعد بسیار زیاد انتشار اطلاعات از طرف نیروهای شرکت کننده و شکست سد سانسور، بر عکس آنچه در حال حاضر مورد توجه قرار گرفته است، یک نیت دیگر هم دارد و آن این است که، این نیروها می خواهند نشان دهند که سد سانسور و ایجاد ترس رژیم را می توان شکست. این مسئله در برخی از نقاط، شدیداً روحیه اعتراضی را تقویت کرده است.

در مورد خارج از کشور، من فکر میکنم این یک اتوپی است اگر کسی تصور کند که در خارج از کشور می توان حیات سیاسی ایران را رقم زد. خارج از کشور در بهترین شرایط می تواند وظیفه افشاگری در سطح بین المللی و آن هم در کنش و واکنش با جریانات محلی کشور خود را دارد. حضور طیف زیادی از نسل دوم مهاجرین در این حرکت ها، به نظر من برد بسیار خوبی را به حرکت ها داد. حضور این معترضین به این دلیلی که نمادهای جامعه میزبان را هم بهتر می شناسند و هم توان سازماندهی نیروهای محلی را دارند، گستردگی زیادی را ایجاد کرد که من فکر میکنم بدون این حضور ما نمی توانستیم شاهد بسیاری از اقدامات اعتراضی باشیم. خیل گسترده تبعیدیان درست است که کمیت زیادی را تشکیل می دهد ولی این خیل در عرض سالهای گذشته نشان داده است که بسیاری از ما قابلیت کار درازمدت، ارگانیک و تخصصی را نداریم. پس از سالها، این اولین بار است که در خارج از کشور، ما شاهد هم پایی حرکتها در خارج و داخل بوده ایم. خارج از کشور اگر نتواند به جای، برای دیگران فکر کردن، به جای دیگران رهبری کردن و غیره، به کار خود، یعنی بازتاب فعالیت های ایران و افشای رژیم در کلیت خود، به هر کار دیگری دست زند، موفق نخواهد بود. در غیر این صورت جز به خود فکر کردن و برای خود فعالیت کردن، کار دیگری نخواهد کرد. در همین مدت ببینید، دهها تظاهرات و آکسیون برگزار شد که مخاطبین آن خود شرکت کنندگان بوده اند. شما چگونه می توانید مخاطب دیگری داشته باشید، زمانی که پس از کلی دعوا سر بلندگو، آخر سر هم، سخنرانی به زبان فارسی باشد؟ به نظر من موفقیت بسیاری از حرکتها اعتراضی در خارج و گستردگی آن را مدیون دوستانی باید باشیم، که در عرض سالهای گذشته بعنوان سازمانگران، شرکت کنندگان و حمایت کنندگان، کمتر در حرکتها به چشم می خوردند. این موفقیت تکنونی را مدیون نسل جدیدی از معترضین هستیم که با حضور خود و با بکار گیری مکانیسم های تبلیغی و ترویجی، توجه به خیزش ها را به دل مردم و نیروهای محلی بردند. من در همین جا از کلیه این دوستان و معترضین که مجاب جو طرفداران موسوی شدند و نمی شوند، به سهم خود تشکر می کنم و مقدم این عزیزان، به عرصه مبارزه و اعتراض را گرامی می دارم.

#### 5- چرا تا کنون اپوزیسیون داخل و خارج کشور نتوانسته اند یک شورای حمایت از خیزش های مردمی و جنبش اجتماعی ایران تشکیل دهند تا بتوانند این جنبش را هدایت کنند؟

اول اینکه چه در داخل و چه در خارج یک اپوزیسیون همسان نداریم. در خارج از کشور حتماً اگر این اپوزیسیون همسان و هم هدف را هم پیدا کنیم، نمی تواند هدایت کننده این جنبش در ایران باشد. خارج از کشور، در طول تاریخ، هیچ گاه نتوانسته چنین مهمی را به پیش برد، شما برای رهبری باید هم حضور فیزیکی داشته باشید و هم حضور تفکری و تاره این حضور در جریان مبارزه روزمره، می باید پذیرفته شود. شما از کدام نیرو در خارج از کشور سراغ دارید که بتواند چنین کاری کند؟ که بتواند فعالیت های روز بعد خیابانی را سازماندهی کند؟ اگر کسی دچار چنین توهمی باشد، باید گفت متأسفم. خوب، در مورد ایران وضعیت فرق میکند. به نظر من چه نیروهای رادیکال و چه نیروهای حکومتی، تلاش شبانه روزی برای هدایت این جنبش دارند. ولی شما باید چنان حضور منسجم و ارگانیکی داشته باشید که با دادن راه حل های مبارزاتی، پذیرش رهبری برای مردم، میسر گردد. نیرویی که در ایران بتواند با درایت و خلاقیت، ترس مردم را از بین برد و از این کانال، نیروهای خودی را سازماندهی کند، می تواند مطمئناً، رهبری را در دست گیرد.

## 6- بصورت عمومی نظر و طرز برخورد نیروهای شرکت کننده در این خیزش ها نسبت به یکدیگر را چگونه ارزیابی می کنید؟

ببیند هنوز این نیروها به صورت کامل از هم دست نشسته اند، هرکدام هنوز سعی دارند برای رسیدن به هدف خود از نیروی دیگری استفاده کنند. حمله های حکومتی، دستگیری ها، زندان و کشتن ها از طرف نیروهای حکومتی در این جهت است که نیروهای متعرض "خارج از خط" را مهار کند و به عقب نشینی وادار کند. نیروهای رادیکال هم سعی دارند که اهداف خود را هنوز حتی از کانال شرکت کردن در این خیزش ها به پیش برند. پروسه تدقیق مبارزاتی و یا جدا سازی کامل نیروها، هنوز صورت نگرفته است. نیروهای شرکت کننده، حتی از اعتراضات یکدیگر هم فعلا نه استفاده می کنند. البته این کشمکش، یا به شکست کشانده کامل یک طرف خواهد کشید و یا اینکه، با جدا سازی کامل صف ها، منش های مبارزاتی کاملا متفاوتی با آنچه امروز شاهد آن هستیم روبرو خواهیم بود.

## 7- آیا فکر می کنید، جناح های مختلف حکومتی در پی آمد راهکارهای مختلف نیروهای شرکت کننده در خیزش ها، عکس العمل های مختلفی اراغ خواهند داد و یا اینکه همانند گذشته سعی خواهند کرد که به یک پارچه گی نسبی دست یابند؟ در این میان آیا نیروهای سرکوب گر متصل به جناحهای مختلف حکومتی، به روش های مختلفی دست خواهند زد؟

در شرایط فعلی، با توجه به آنچه در سئوالهای قبلی گفتم، بعید می دانم که این یک پارچه گی نسبی به راحتی ایجاد شود. جناح موسوی اگرچه از حرکت های رادیکال هراس دارد ولی در عین حال در شرایط فعلی، این نیروها بیشتر از اینکه مشکلی برای وی ایجاد کنند برای جناح مقابل ایجاد می کنند. از اینرو طرفداران جناح وی و حتی اخیرا، رفسنجانی در حمایت از دستگیرشدگان زبان باز میکنند. در عین حال، هرکدام از جناحها، نیروهای سرکوب گر خود را نیز دارند. من چند روز پیش با یکی از دوستانی صحبت می کردم که در یکی از اورژانس های ایران کار می کند و از پزشکان معالج زخمی ها بوده است. وی اظهار داشت که زخمی ها را که توسط لباس شخصی ها مورد ضرب و شتم قرار داده اند، به راحتی می توان از زخمی هایی که توسط لباس رسمی ها ضرب و شتم شده اند، متمایز کرد. این نوع صحبت ها را من از بسیاری دیگر که در بخش های مختلفی هستند نیز شنیده ام. برخی دیگر از فعالین به عنوان مثال در اصفهان اظهار می داشتند که ضرب و شتم دستگیر شدگان در کلانتری ها به مراتب فجیح تر از دیگر مراکز است. من فکر نمی کنم که ما با یک، یک پارچه گی در میان نیروهای سرکوب روبرو هستیم، بهرو جناحهای حکومتی فقط دارای ارگانها و نهاد های مختص به خود نیستند، این تقسیم بندی ها را می توان حتی در میان ارگانهای سرکوب و یا خود نیروهای سرکوب گر نیز دید. در برخی از مناطق تهران به عنوان مثال، برخی از نیروهای انتظامی، به نوعی با دستگیرشدگان و یا معترضین خیابانی برخورد کرده اند که همان نیروی انتظامی در منطقه دیگری بدین گونه عمل نکرده است.

در پایان از شما و خوانندگان شما تشکر می کنم، که مجالی برای مرور نظراتم ایجاد نمودید و دستتان تمامی دوستان را به گرمی می فشارم.

علی فرمانده بیست و هفتم تیر هزار و سیصد و هشتاد و هشت، معادل نوزدهم اوت دو هزار و نه

[alifarmandeh@yahoo.com](mailto:alifarmandeh@yahoo.com)